

معرفی نسخه‌های خطی

حوریه سعیدی

۱. رسائل نظامی (بخش سوم)

در ادامه معرفی نسخه‌های خطی تاریخی در حوزه آموزش نظامی به معرفی تعداد دیگری از این مجموعه می‌پردازیم. از آنجا که مجموعه مورد نظر حاوی تعداد نسبتاً زیادی کتاب است برای آنکه بتوانیم در قسمتهای آتی مجموعه‌های دیگر تاریخی را از میان کتب خطی و کمیاب معرفی نماییم در هر فصل به اختصار تعداد بیشتری از این مجموعه را تعریف و تشریح خواهیم نمود.

۸. نسخه خطی با عنوان صواعق النظام^۱، تحریر شده در ۱۲۵۴ ه.ق، مؤلف: محمدرضا مهندس تبریزی. این کتاب در قطع رحلی با خط خوش و جدولبندی‌ای که با جوهر قرمز عنوانبندی شده، همراه با اشکال و طرحهای دقیق رنگی نوشته شده است. صفحه اول و مقدمه با تذهیب بسیار زیبا و مطلقاً تزئین شده که می‌رساند این کتاب برای تقدیم به محمدشاه یا وزیر او بوده است.

در مقدمه نسخه، مؤلف تصریح دارد که تحت توجهات میرزا آقاسی و در زمان محمدشاه به نگارش کتاب اقدام کرده است.

فصل بندی کتاب: «فهرست رساله صواعق النظام مشتمل است بر مقدمه و سی و شش باب و خاتمه». خود مقدمه شامل شش فصل است. در این مقدمه، نویسنده، بعد از حمد و سپاس خدا و رسول، موضوع اصلی کتاب را توضیح داده علت تنظیم آن را چنین می‌نویسد:
... اما بعد، این رساله‌ایست در علم ترکیب توپ و خمپاره و ترتیب گلوله و عراده و سایر آلات و ادوات حربیه که به اشاره جناب فیلسوف زمان وحید دوران صاحب اعظم مجمع محاسن شمیم منبع جود و کرم منشأ المعالی فلک الاعالی... حاجی

۱. این نسخه به شماره ۱۰۵۳/ ف و ۱۶۹۸/ ف در مخزن آثار خطی کتابخانه ملی موجود است.

میرزا آقاسی زیدمجده در زمان دولت روزافزون و اوان شوکت همایون شاهنشاه اسلام پناه غازی مروج ملک ترکی و ملت تازی... محمد شاه قاجار... هنگام محاصره هرات در معسکر فیروزی اثر به برهان عقل و علم نوشته و به معیار قسطاس فراست و فطانت سنجیده در اوراقی چند مندرج داشته بودند که استادان این فن و متعلمین این صنعت را به کار آید و در مقام ضرورت به آسانی و سهولت مقصود به حصول پیوندد؛ بالجمله، رأی زرین و عقل پیشین جناب معظم‌الیه [له] که فی الحقیقه در نظم امور ملک و دین پسندیده‌ترین آراء و متبوع [مطبوع] طبع جهان آراست، قرار براین یافت که اوراق متفرقه که درین فن مختصراً یادداشت شده بود به تجدیدنظر و دقت خاطر با کتب معتبره حکمای طبیعیدان فرنگی موازنه و تطبیق نموده نسخه مبسوط و مفصل ترتیب یابد و تحفه عالی مجلس همایون پادشاهی شود. حضرتش انجام این مهم خطیر و اتمام این خدمت دقیق را به عهده کمین بنده فدوی محمدرضای مهندس تبریزی محول و مفوض داشتند... به تاریخ اواسط شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۴ هجری در دارالخلافه طهران.

نویسنده، تا آنجا که توانسته، مطالب موردنظر را با دقت تشریح و جزئیات بسیار توضیح داده و بدین لحاظ می‌شود نتیجه گرفت که مؤلف با علم و اطلاع نسبت به مطالب کتاب اظهارنظر می‌کند و از یک محرر و جمع‌آوری‌کننده صرف دامنه اطلاعاتش بیشتر است. طرحهای کمکی و اشکال دقیق اجزاء توپخانه، که در لابه‌لای مطالب گنجانیده شده، به روشن‌تر شدن توضیحات کمک بسیاری می‌کند. مؤلف کتاب در میانه متن و در بخش مربوط به توپخانه و انواع و اجزاء آن، توضیح می‌دهد که اختلافاتی که در امر توپ‌ریزی رخ نموده به علت نداشتن هیچ «ضابطه کلیه» ای است که بشود برطبق آن رفتار کرد؛ پس، بنا به امر میرزا آقاسی و تحت توجهات محمدشاه قاجار، مصنف به این مهم همت گماشته است. بعد می‌نویسد که بنا به طرح «جنرال ارم استرانگ» [جنرال آرمسترانگ] ناظم قورخانه و توپخانه انگلیس فصول کتاب را تنظیم نموده است. در پایان کتاب چنین آمده است: تمه [تمت] الكتاب بعون الملک الوهاب فی خمسة عشرین شهرشوال المکرم فی سنه ۱۲۵۶.

۹. نسخه خطی با عنوان قواعد کلیه از برای مشق و حرکات پیاده‌نظام دولت علیه ایران^۲ متن کتاب بدون مقدمه معمول، که با مدح همراه است، و توضیح علت نگارش کتاب و بدون

۲. این نسخه به شماره ۱۵۸۱/ف در مخزن خطی کتابخانه ملی موجود است.

اشاره به اسم نویسنده آغاز می‌شود، با این عنوان: «حسب الحکم سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه عالمیان پناه‌السلطان ناصرالدین‌شاه غازی لازال ایام دولته و شکوته منصوراً»، فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۸.

کتاب در قطع رحلی، همراه با تصاویر و طرحهای رنگی است؛ سرفصلها و عنوانبندیها با مرکب قرمز و خط خوش نگاشته شده است.

صفحه اول با تصویر شیروخورشید، که زیر عنوان کتاب آمده، تزیین شده. در ابتدا، توضیح فصل‌بندی کتاب آمده است. «قواعد کلیه ترتیب و مشق نظام مشتمل است بر پنج باب: باب اول در بیان تعلیم سربازان جدید است که مشتمل است بر چهار فصل، که جمیع آن مرکب از دویست و پانزده قاعده است.» با این ترتیب تقریباً تمام سطرهای متن کتاب با اعدادی که قاعده‌های فصل را مشخص می‌کند و با رنگ قرمز است آراسته شده. «فصل اول در بیان تعلیم سرباز بی‌تفنگ است و مشتمل است بر چهار درس؛ درس اول در بیان حالت نظامی سربازی است.»

مؤلف با بیانی نسبتاً ساده و بدون استفاده از اصطلاحات نامعمول و فرنگی، حالت‌های سرباز در شتون مختلف نظامی را به خوبی توضیح می‌دهد: «سلام شمشیر: در سواری و پیادگی، چه در وقت ایست و چه در وقت راه رفتن، سلام را با چهار حرکت به جا می‌آرند. حرکت اول، ده قدم مانده، شمشیر را راست و با سرعت بلند کنند به طوری که نک [نوک] شمشیر به طرف بالا باشد و صفحه شمشیر رو به پیش ...»

لباسهایی که برای سربازان طرحها انتخاب و نقاشی شده لباس سرباز فرانسوی با شلوار گشاد و یا صاحب‌منصب با کت کوتاه و یا بلند و شلوار معمولی است. در واقع محتوای کلی کتاب بر محور نظم و ترتیب سربازان چه به لحاظ پوشاک ایشان، و چه به لحاظ صف‌بندی و سان و رژه آنها تنظیم شده است.

۱۰. نسخه خطی بی‌آغاز، که نام آن موجود^۳ نیست، در واقع بخشی از کتاب تا «فصل سیم»، یعنی تقریباً نیمی از نسخه، مفقود است. نام رساله نیز در آخر کتاب نیامده و هم‌چنین نام نویسنده آن. این نسخه با قطع وزیری و خط نسبتاً خوش نوشته شده، عناوین و برخی کلمات و عبارات خاص با جوهر قرمز مشخص شده است.

موضوع کتاب در بیان قواعدی است که با آن شناسایی در جنگ به عمل می‌آید. مؤلف در توضیح این موضوع می‌نویسد: «از برای توضیح لفظ شناسایی در جنگ

۳. این نسخه به شماره ۲۷۳/ف در مخزن خطی کتابخانه ملی موجود است.

می‌توان گفت که آن نیست مگر در حقیقت علمی که با آن می‌توان فهمید و درک کرد هر چیزی را که متعلق به جنگ است... می‌توان شناسایی جنگ را به سه قسمت کرد: اول شناسایی دشمن که آن رادر زبان نظامی «تاکتیک» نامند؛ دوم شناسایی محل و مکان که آن را «توپوگرافی» نامند؛ سیم شناسایی اساس و آلات حرب که آن را استاتیستیک نامند... از نوع نگارش نویسنده چنین برمی‌آید که وی یا آشنا به زبان فرانسه و فردی یا صاحب‌منصبی تحصیلکرده آنجاست و یا با کمک یک افسر فرانسوی و در نتیجه آموزشهایی که دیده، به تالیف کتاب دست زده است. بیشترین بخش کتاب به توضیح جنگهای پارتیزانی و فواید و نتایج آن اختصاص یافته است. ضمناً، در میان مطالب کتاب، شواهدی از خاطرات و یا کارهایی که فرماندهان، پادشاهان و نظامیان برجسته اروپایی انجام داده‌اند، به چشم می‌خورد.

در مجموع، با وجود این، ترتیب فصلبندی کتاب و مطالب آن قدری مغشوش و بدون نظم است که حکایت از بی‌تجربگی نویسنده در امر نگارش می‌کند؛ ولی اطلاعاتی که درباره جنگ پارتیزانی، بعضی اصطلاحات و لوازم آن ارائه می‌دهد جالب توجه است. ۱۱. نسخه چاپ سنگی با عنوان نظام ناصری^۱ به قلم بهرام قاجار ابن عباس میرزا در تاریخ ۱۲۶۷هـ.ق به قطع وزیری کوچک و خط نستعلیق خوش.

در مقدمه کتاب، نویسنده با انشایی پرتکلف، که از مدح خدا و رسول آغاز کرده است، در ادامه درباره علت تحریر و چاپ کتاب چنین می‌نویسد:

اما بعد، چنین گوید چاکر دربار خلافت مدار بهرام قاجار در مبادی حال که از میامن اقبال بی‌زوال بقای تعلیم و مشق نظام و در عساکر منصوره ایران اشتهار و شیوع یافت حسب الامر نواب غفران مآب ولیعهد میرور، البسه‌الله تعالی حلال النور، این چاکر نامزد و مأمور شد که داخل اهالی نظام گشته به مراسم تعلم و مشق نظام اقدام نماید. امثالاً لامره العالی سالها کمر خدمت بر میان بسته آن مشق شایسته و علم خجسته را از معلمین فرنگ، که صاحب هوش و فرهنگ بودند، اخذ و اکتساب نمود چنانچه از مراسم مشق و تعلم ترقی جسته به مراتب تعلیم و فرماندهی رسید. چند سال پیش از این، که هنوز شهریار فرشته سیرت خجسته سرپرست... تعمده‌الله بغفرانه و اسکنه بحیوحتہ جنانه از مقصوره جهان به معموره جنان نخرامیده بود... بدین چاکر فرمود تا به نگارش کتابی در آن باب بپردازد و قواعد کلیه نظام رادر آن کرج درج سازد...

۴. این نسخه با شماره ۴۰۳ در مخزن کتب نفیس موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

که محمدشاه فوت می‌کند و ناصرالدین شاه جانشین وی می‌شود.

... امسال که سنه هزار و دویست و شصت و هفت هجری است و دو سال تمام است که آفتاب جهانتاب برگردد کعبه سریر خلافت می‌سرد و دوره کامل طواف کرده مجدداً فرمان واجب الاذعان شاهنشاه مؤید منصور زادالله ناصریه به نوشتن کتاب مزبور عژ صدور یافته و این چاکر خامه‌وار کمر اطاعت بر میان بسته به تکمیل آن نامه پرداخت. و نیز حکم محکم سلطانی صادر شد که چهارصد جلد از آن کتاب در دارالطباعه مبارکه انطباع یابد و سلاطین و سرهنگان به مشق و تعلم آن مشغول شوند و تا آن کتاب به نام نامی و اسم گرامی پادشاه محلی و مزین گردد و آن را به نظام ناصری موسوم داشت ... و این کتاب مشتمل است بر هشت باب و خاتمه.

و توضیح ابواب مختلف کتاب و موضوعات آن، که عمدتاً بر محور قواعد مشق سربازان است، و نیز «دسته‌بندی قوانین و فرمانهای متعلق به دسته و تعلیم سرباز». همراه با تصاویر و طرحهایی از سربازان و طرح آرایش صفوف نظامی که برای کمک به تبیین موضوعات مطرح شده آورده است.

۲۰۵

۱۲. نسخه چاپ سنگی با عنوان رساله دروس نظام^۵ نام نویسنده یا مترجم کتاب جعفرقلی است. تاریخ ترجمه و نگارش درج نشده. کتاب با مقدمه معمول کتب آن زمان و توضیح علت ترجمه اثر آغاز می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين. لله الحمد که به عهد دولت ابد مدت حضرت شاهنشاه اسلام، صنایع کشور ایران روی در ترقی کرده و عرصه مملکت آبادانی و معموریت تمام حاصل نموده. علوم نفسیه غریب، که در این ملک کمتر معلوم بوده، شایع و لایح گشته و از میامن تقویت و تربیت حضرت سکندر حشمت دارا رتبت جمشید مکانت کاوس مهابت فریدون فر هوشنگ هوش زال بال سام حسام سلطان السلاطین و خاقان الخواقین شاهنشاه عادل باذل معدلت گستر رعیت پرور الناصر لدین الله القهار سلطان ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه و توجه و اکرام جناب جلالتمآب... اعتمادالدوله العلیه العالیه صدراعظم امیرنویان... متعلمین مدرسه نظامیه دارالفنون هریک در مقام خود تحصیلی کرده‌اند و ترقی نموده‌اند، از این چاکر خانه‌زاد دولت، جعفرقلی به حسن تربیت و اهتمام نواب اعتضادالسلطنه مریمی و مختار اهالی

۵. این نسخه با شماره ۶۷۸ در مخزن کتب نفیس کتابخانه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

مدرسه به حوزه تدریس موسیو بهار سررئیپ فرانسوی معلم علم هندسه حاضر بود و مدتی مدید در تعلیم لغت فرانسه و تحصیل علوم هندسه رنجی برده و... این رساله را از لغت فرانسوی به زبان فارسی ترجمه کرده در سلک کتب کتابخانه منسلک داشته و اطلاع بر مطالب آن سپاهیان نظام را لازم و واجب است. و مشتمل است بر اعمال محاصره و ملزومات آن و مبنی است بر شانزده درس...

نویسنده در ادامه، باینکه در هر مبحث از کلمات خاص آن، که به فرانسه است، استفاده نموده ولی با شرح دقیق مفهوم آن و توضیح جزئیات به زبانی نسبتاً ساده به شرح موارد می‌پردازد. در انتهای کتاب اشکال و طرحهایی است که برای روشن تر شدن مفاهیم توضیح داده شده به کار گرفته شده است.

۱۳. نسخه چاپ سنگی با عنوان قانون نظام قشون^۶ به قلم محمدعلی جراح نظام نوشته شده (در تاریخ ۱۲۷۷ ه.ق). در ابتدای متن صفحه اول و حاشیه بالا، «سواد دستخط همیون ظل‌اللهی روحنا فداه است»: «صحیح است. سپهسالار بدهد چاپ بزنند و از این قانون که ما به دست خودمان نوشته‌ایم و همه وزراء به دقت ملاحظه کرده و سنجیده‌اند احدی نباید تخلف نماید. در صورت تخلف، یقیناً همین تنبیهات در حق آنها مجری خواهد شد؛ و در صورت اطاعت، همین امتیازات در حق آنها التفات می‌شود. سنه ۷۷ تخاقوی ثیل در طهران»

۲۰۶

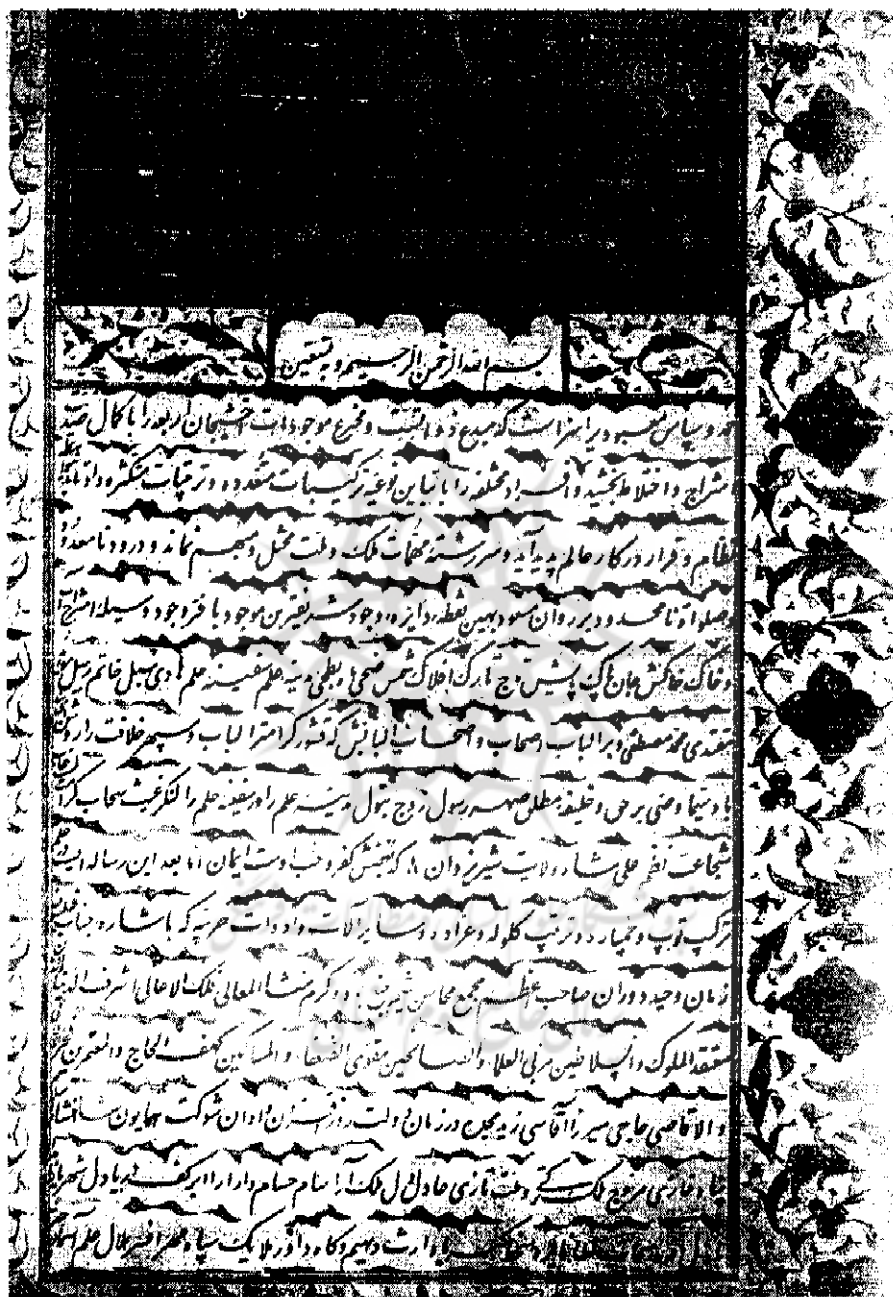
مؤلف درباره سبب تألیف اثر اعلام می‌کند که بنا به خواست ناصرالدین شاه دست به این کار زده است: «... قانونی است که برای نظم قشون نوشته می‌شود که به اقتضای رأی سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلام پناه ایدالله جیشه و ایدالله عیشه نوشته می‌شود و اجرای آن از جانب سنی‌الجوانب به عهده وزیر جنگ و رئیس کل قشون است و این مشتمل است بر شش باب...» در ادامه، توضیح هر باب است که خود آنها به چند فصل نیز تقسیم می‌شوند و در آنها تکالیف رؤسای قشون و سپهسالار و تفکیک وظایف ایشان و نیز تکالیف سایر رؤسای قشون، صاحبمنصبان، سربازان نوشته شده است.

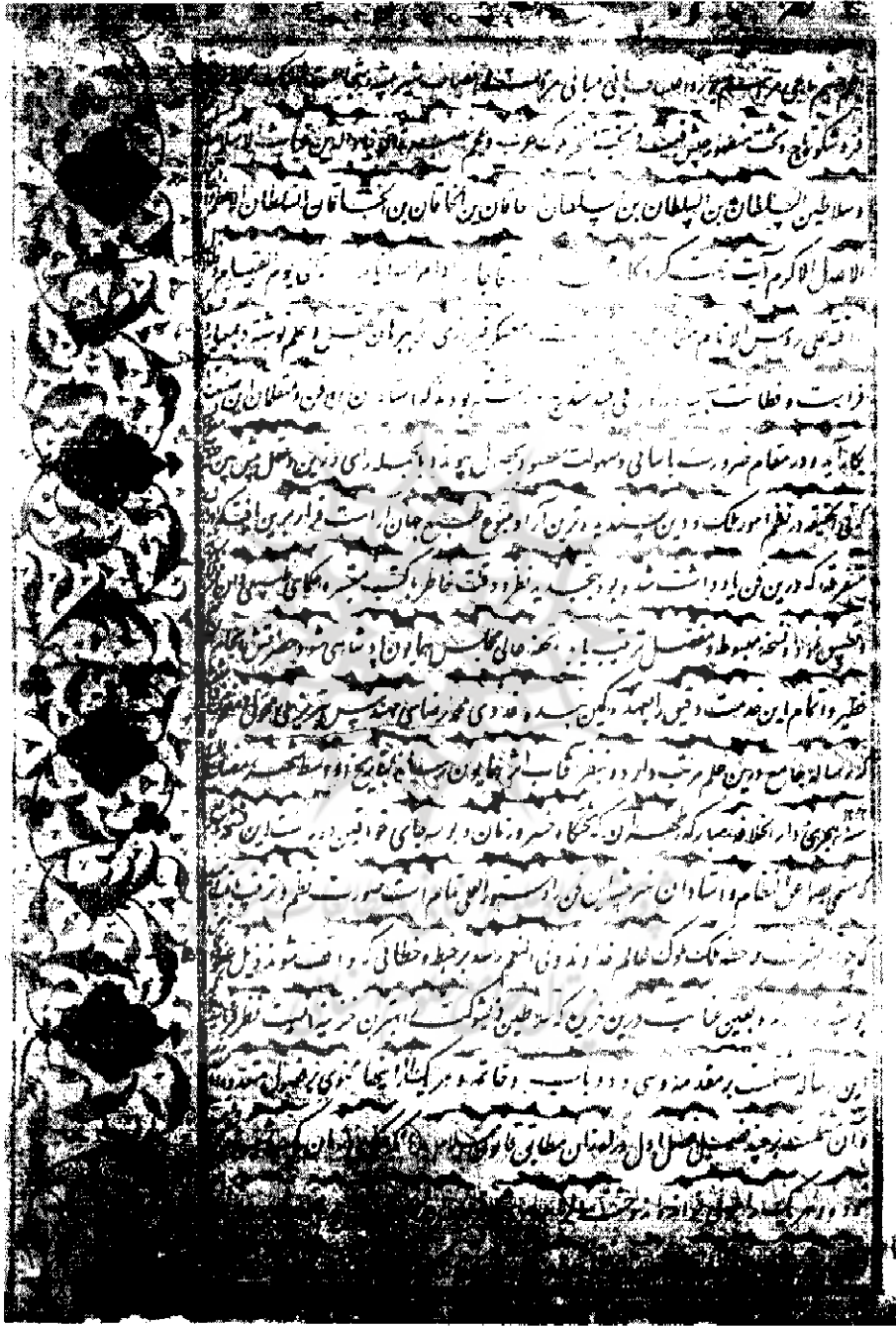
فصل دوم در تکالیف سایر رؤسای قشون، آن هم مبنی بر سه قاعده است: قاعده اول تکالیف رؤسای مأمور ولایات که رئیس دیوانخانه نظامی هستند. رئیس قشون ولایات باید در نظم قشون و قورخانه و توپخانه ولایاتی که مأمور می‌شوند کمال دقت و سعی را داشته باشند. و قشون ولایات هم بر دو قسم است: یکی قشون

۶. این نسخه به شماره ۶۲۷ در مخزن کتب نفیس کتابخانه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

مأمور به آن ولایت است که از ولایات دیگر به ساخلوی آنجا مأمور می‌شوند و دیگر قشون خود آن ولایت است که متوقف خواهد بود آنچه قشون مأمور است باید همیشه در سر خدمت خود حاضر باشند و رئیس قشون آن ولایت باید مراقب باشد هر روز مشق کنند و اسلحه و ملبوسشان را پاکیزه و نظیف نگاهدارند. منزل قشون ساخلویادر سربازخانه یا چادر که باشد پاک و پاکیزه باشد و کتیف نباشد. بر ذمه خود باید واجب و متحتم بدانند رساندن مواجب و جیره و ملبوس زمستانی و تابستانی و سایر تدارکات قشون را به طوری که از وقت نگذرد و اگر از حکام و مباشرین آن ولایت در رساندن جیره و ملزومات قشون کوتاهی شود و از قسط مقرر بگذرانند با کمال ادب مطالبه کند...

در بخش پایانی کتاب، قسمتی است که تحت عنوان «کتابچه ای که حکیم طولوزان نوشته این است...» آورده شده که دربارهٔ احداث مطبخخانه، شرایط آن، مطبخخانه‌های فرنگستان و بخشهای مختلف آن و شرایط یک طبیب خوب و نیز تکالیف جراحان و اطبا، مطبخهای جنگ مطالبی نوشته شده است.

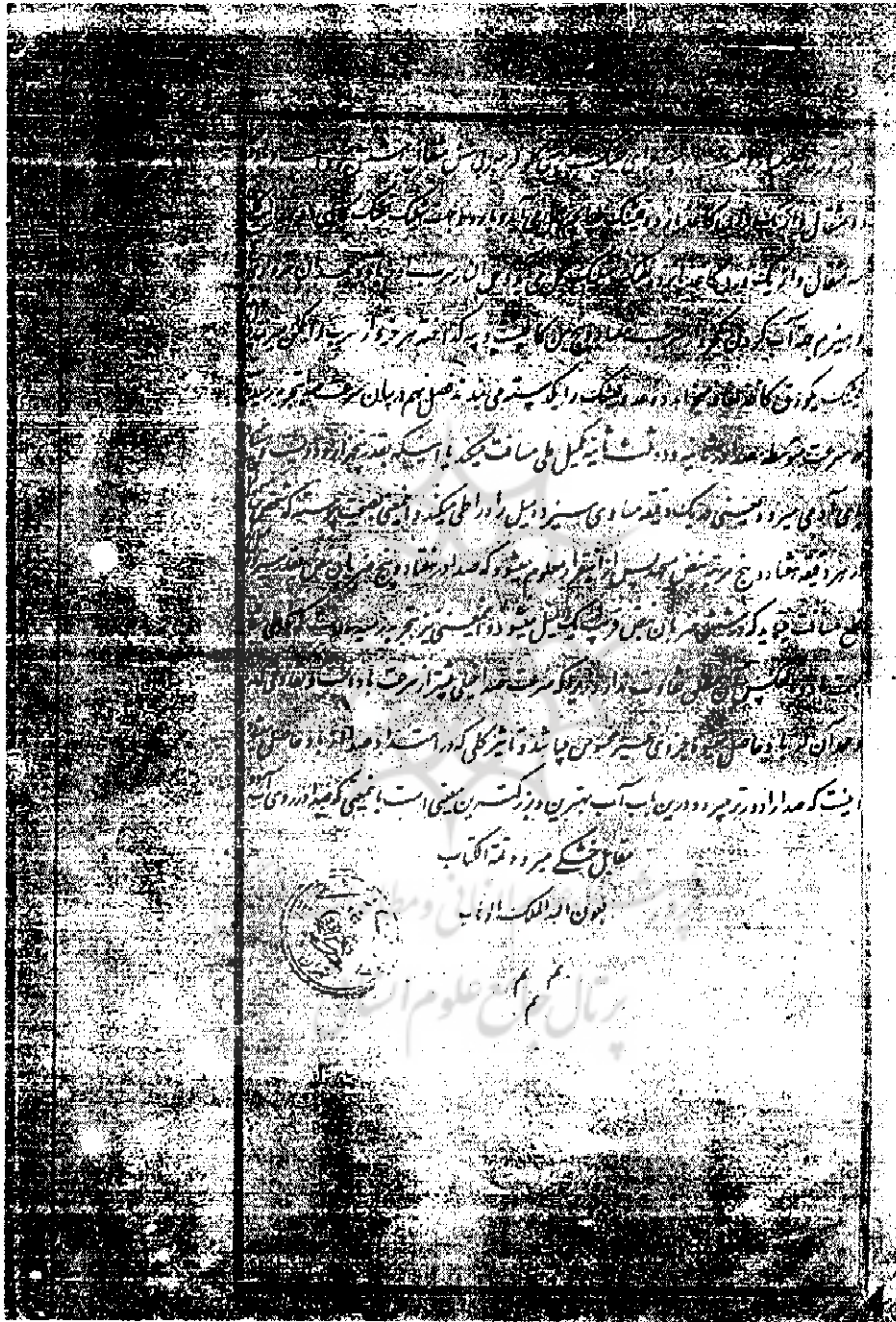




۲۰۹

۱	مقدمه
۲	فصل اول در بیان اهمیت علم طب
۳	فصل دوم در بیان اهمیت علم طب
۴	فصل سوم در بیان اهمیت علم طب
۵	فصل چهارم در بیان اهمیت علم طب
۶	فصل پنجم در بیان اهمیت علم طب
۷	فصل ششم در بیان اهمیت علم طب
۸	فصل هفتم در بیان اهمیت علم طب
۹	فصل هشتم در بیان اهمیت علم طب
۱۰	فصل نهم در بیان اهمیت علم طب
۱۱	فصل دهم در بیان اهمیت علم طب
۱۲	فصل یازدهم در بیان اهمیت علم طب
۱۳	فصل بیستم در بیان اهمیت علم طب
۱۴	فصل بیست و یکم در بیان اهمیت علم طب
۱۵	فصل بیست و دوم در بیان اهمیت علم طب
۱۶	فصل بیست و سوم در بیان اهمیت علم طب
۱۷	فصل بیست و چهارم در بیان اهمیت علم طب
۱۸	فصل بیست و پنجم در بیان اهمیت علم طب
۱۹	فصل بیست و ششم در بیان اهمیت علم طب
۲۰	فصل بیست و هفتم در بیان اهمیت علم طب
۲۱	فصل بیست و هشتم در بیان اهمیت علم طب
۲۲	فصل بیست و نهم در بیان اهمیت علم طب
۲۳	فصل بیست و دهم در بیان اهمیت علم طب
۲۴	فصل بیست و یازدهم در بیان اهمیت علم طب
۲۵	فصل بیست و دهم در بیان اهمیت علم طب
۲۶	فصل بیست و یازدهم در بیان اهمیت علم طب
۲۷	فصل بیست و دهم در بیان اهمیت علم طب
۲۸	فصل بیست و یازدهم در بیان اهمیت علم طب
۲۹	فصل بیست و دهم در بیان اهمیت علم طب
۳۰	فصل بیست و یازدهم در بیان اهمیت علم طب

۳۰	باب نهم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۱	باب چهارم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۲	باب پنجم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۳	باب ششم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۴	باب هفتم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۵	باب هشتم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۶	باب نهم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۷	باب دهم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۸	باب یازدهم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۳۹	باب بیستم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۰	باب بیست و یکم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۱	باب بیست و دوم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۲	باب بیست و سوم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۳	باب بیست و چهارم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۴	باب بیست و پنجم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۵	باب بیست و ششم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۶	باب بیست و هفتم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۷	باب بیست و هشتم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۸	باب بیست و نهم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۴۹	باب سی و یکم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً
۵۰	باب سی و دوم در بیان بیان مختصراً در بیان بیان مختصراً



نسخه شماره ۹
قیمت ۲



بیت مکریم حضرت قدس سره
نعمت علیها، غفرانها
فیروزان مبارک است



شهرش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مال جامع علوم انسانی

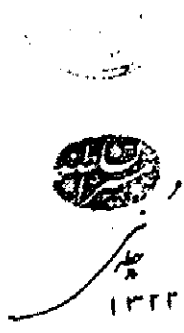
مجلس نیک

شهرک شهید باهنر، عدد ۱۳۰۱، مجلس بردار است



فصل سیم - در بیان واقعات که با آن شناسائی در جنگ پس می آید
ملاحظاتی

(۲۰۰) و از برای توضیح مفاد شناسائی در جنگ می توان گفت که آن نیست محقق کریمی که با
آن می توان فهمید و در جنگ کرده و هر چیزی را که متعلق جنگ است پس هر چیزی که متعلق جنگ است
تو شناسائی است هنگام صلح پیش شناسائی شده تا اینکه در جنگ بکار خود و در برای پیش
که شناسائی را به وقت کرده اند شناسائی هنگام صلح و شناسائی هنگام جنگ این ترفیع
بها هم را نیز نشان است بجهت آنکه اگر بگویند همان شخص قبلی است می توان گفت که در آن
شناسائی جنگ پس آید



۲۱۵

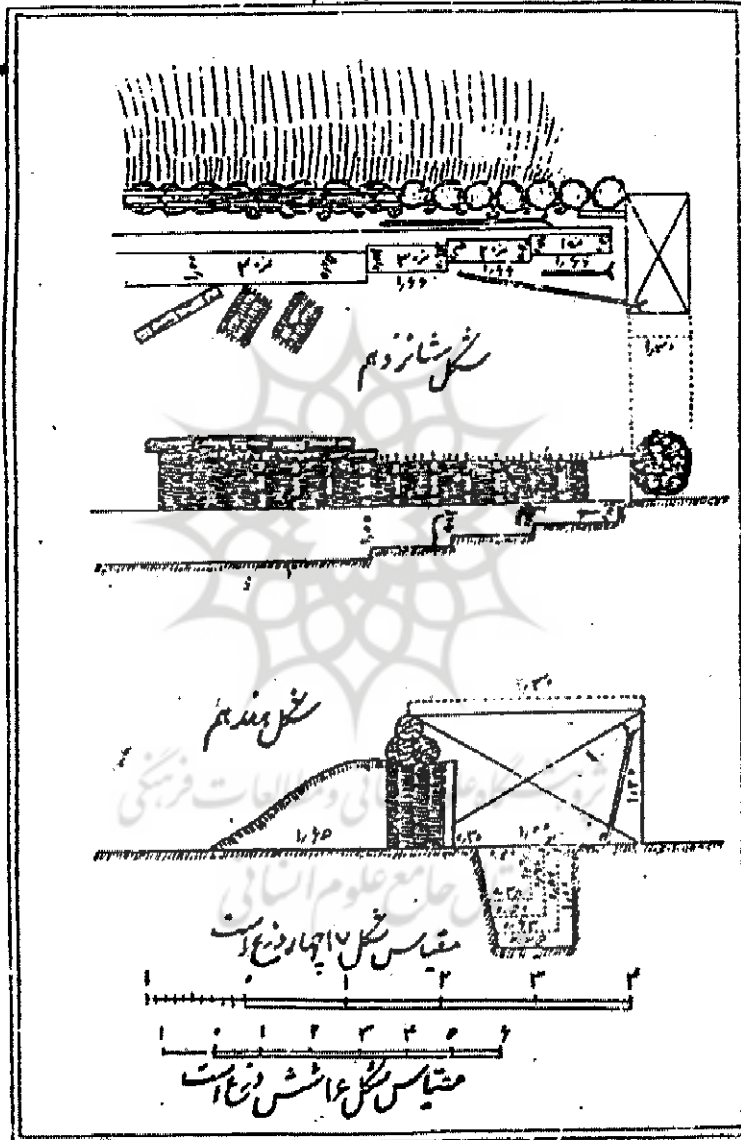
(۲۰۱) چون همه جز در عالم می تواند باشد شناسائی شود از برای صلح بود در جهت تحقیق
در شناسائی جنگ داده شود و آنچه که لازم صلح است در اینجا می توان گفت بجهت
این را در جنگ است در جنگ شناسائی کند. اول دشمن را و کانی که در صلح است
از دم زبانی که در تصرف خود و با صلح کرده و در صلح دشمنان آنها در سیم صلح
میدان جنگ خواهد شد و آن نیز بطور کلی با خبر می پس آید چه دم چراست
مخصوصی که می تواند بکار خود و از قبیل صلح و کان و با صلح و با صلح
و شناسائی به این چراست

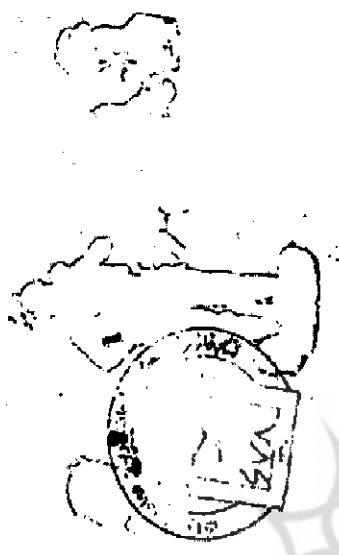




سازد و عا که را نواج بسیار در تحت فرمان یک سر کین
 سر را عارضه فرزند است که آب است که نظیر درت نیست
 و در فرزند که در حکم و حالت بخت در چندین که در مختلف
 در عین است بکنده کین لکن ایستاد تا الا طبعی از عیب و
 در پیوسته بیک آواز است پیوسته پیوسته در هر صفت
 که در دوزخ به فریب پای در آرزوی از صحت و جان از صحت
 سانه شود و عا بزرگ فرمای پست تا شکر در آرزوی از
 رحمت و لای ای شرف سر در شرف و جان از صحت و جان
 او به کین غلب فرود حال شود بکنده با در هر صفت
 از فرانی کین بر سر در هر صفت بکنده با در هر صفت
 و کین از لای کین و سینه خاک را در زمین که در هر صفت
 لکن صفت سلاطین فرجی کین با هر صفت بکنده با در هر صفت
 کین از لای کین و سینه خاک را در زمین که در هر صفت
 طالع فرسده بر آواز عا کین کین کین کین کین کین کین کین
 علم بکنده با آواز کین کین کین کین کین کین کین کین

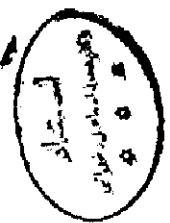
نقشه چهارم





سبب نیرودا حصر الراجح

دارای دل مسکوت که در وقت بر در آن سرگردان است و آنگاه بیگانه
 ناصرا لیس است، تا با خداوند مکرر مصلحت در توجوه مکرر آید.
 جلا تائب است و در وقت کرم بخش اول بر آن آفت کب
 سلیمان که چون دولت سلطان عبادت و آواز آید و آنگاه بیگانه
 است و آنرا آن سطر و عقول عالی شریف و در تفسیر آرا لغزین برکت
 در مقام فرود تفسیر که آواز آنرا در تفسیر آرا لغزین برکت
 و نظام توفیق است که آنگاه آنرا در تفسیر آرا لغزین برکت
 معلوم است و تفسیر آرا لغزین برکت است که آنگاه آنرا در تفسیر
 این سالک را از لغت لغزین برکت است که آنگاه آنرا در تفسیر
 کن بجای تفکر یکشنبه، اطلاع بر عقول آرا لغزین برکت
 لازم بود و اجابت است با حال حال صورت و آرا لغزین برکت
 نهی است بر آواز آرا لغزین برکت است که آنگاه آنرا در تفسیر
 در کسب ایم در بیان خدای چا در کسب ایم در تفسیر
 در کسب ایم در تفسیر آرا لغزین برکت است که آنگاه آنرا در تفسیر
 در کسب ایم در تفسیر آرا لغزین برکت است که آنگاه آنرا در تفسیر



اچو ستر رتب الی السین و المستوره و السلام علی محمد و آلله
 بعد از آنکه بعد از دست است حضرت شاهنشاه به امامت
 کتوبد ایران روی در تکی کرده و عرض است که آنگاه آنرا در تفسیر
 تمام حاصل نوزده علوم تفسیر بر یک در این کتب که در تفسیر
 و لایح که در تفسیر آن توفیق و در وقت حضرت کتب در وقت
 در وقت کتب که کاتبان در وقت فرمودن فرمودن کتب
 زان الی امام در سلطان اسلامین و توفیق آن توفیق شاهنشاه

ادامه ضمیمه ۵

۸۲
کمیته ضمنی که سوال ایشان نیز معنی است و زنی که آنرا

مخالفی دارد است که حق را همیشه زود می بیند

و همیشه حقوق را از دست می دهد هرگاه با او برخورد

نمایند و هیچ سبب و اسباب باشد

آنها را واسطه دست ما

و همیشه با همه ای

کنند و هیچ

نمانند

بسیار با هم

در بیان تردول در راه معنی تردول در اینجا معنی تردید است

و در قسم همول داشت با برادریهای برادرش و با او

شماره که برادرش را است در حالت اول یا همول دارد

همان احوالی که در تردول در وقت همول پیدا شده

نادر وقت که در هیچ راه معنی پیدا به عنوان آن

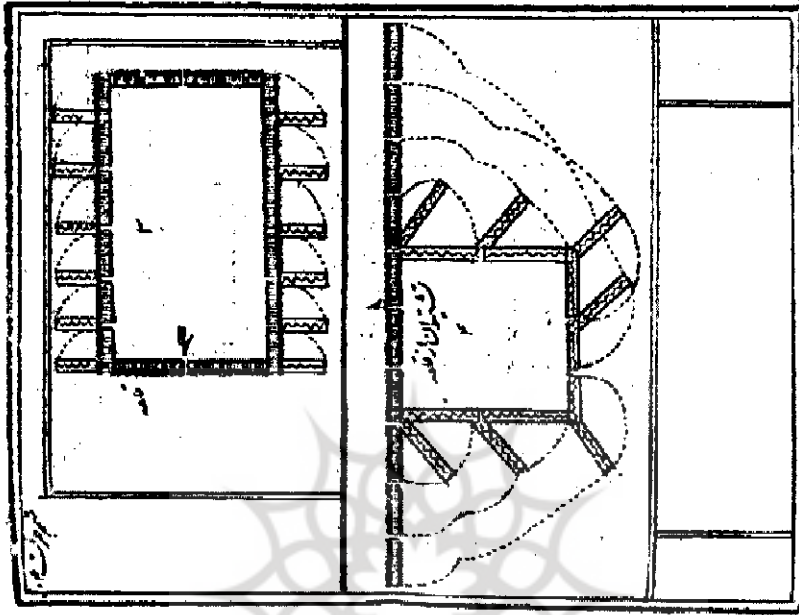
چوب در است و در هر دو ای که در تردول پیدا شده

و این معنی فانی خصوصیت مخصوص در هر دو ای که در تردول

در مقابل یک تا در قسم آن بود تا در هر دو ای که در تردول

شده و تردول بی معنی عبارت از هر دو ای که در تردول

دست ای که در هر دو ای معنی مختلف را در هر دو ای که در تردول



ادامه ضمیمه ۵

